

دختر عزیزم ، این برگه را در مکانی نصب کن که مدام ببینی و هر روز دو بار از روی آن ها بخوان .

تشدید			خوا			أ ← و أ استثنا	
جاده	مَكَّة	نَجَّار	خواهرمان	خواستند	خوانا	می خورد	تو
مُرَبِّي	مَجَلَّة	كَفَّاش	خواهرتان	می خواهم	خواننده	می خوریم	خود
شِدَّت	نَقَّاشِي	أَمَّا	خواهرشان	می خواهی	خواندن	می خورید	خودم
مُوقِّق	كَفَّاشِي	بِچَّة	خواب	می خواهد	خواندم	می خورند	خودت
مِلِّي	مُعَلِّم	قَنَاد	خوایدن	می خواهیم	خواندی	نوزاد	خودش
سَجَادَة	دُكَّان	تَشْكُر	خوایدم	می خواهید	خواند	نوروز	خودتان
مُرْتَب	لِذَّت	بَنَّا	خوایدن	می خواهند	خواندیم	مترو	خودمان
مَحَلِّ زَنْدَگِي	ثُرَيَّا	نَقَّاش	خواید	می خواستم	خواندید	نوک	خودشان
بِقَالِي	تَهِيَّة	دِقَّت	خوایدیم	می خواستی	خواندند	گوجه	خودکار
تَبَّة	عُصَّة	پَلَّة	خوایدید	می خواست	کتاب خوانی	نخودی	خودنویس
دَكَّة	مُدَّتِي	سِكَّة	خوایدند	می خواستیم	گوشت خوار	خورشید	خوش
گَلَّة	مُحَمَّد	أرَّة	تخت خواب	می خواستید	گیاه خوار	دو	خوش رفتار
تِكَّة	أول	زَرَّافَة	خوار	می خواستند	أَسْتُخْوَان	دوچرخه	خوش نام
بَرَّاق	أولِي	مُقَوَّا	خواری	خواستگار	خواهش	دوباره	خوش بخت
قُلَّاب	نَجَّارِي	قُلَّك		خواربار	خواستم		خوش حال
خُفَّاش	بَزَّاز	تَوَلَّد		خواهر	خواستی		خوش مزه
إِتِّفَاق	مُدَّت	قِصَّة		خواهرم	خواست		خوراک
مِلَّت	بِقَال	مُحَبَّت		خواهرت	خواستیم		می خورم
جَدِّي	تَوَجَّه	قَلَّة		خواهرش	خواستید		می خوری

ض ض	ح ح	ث ث	ع ع ع		ذ ذ	ص ص	
رِضا	اِحساس	ثانیه	دُعا	عَلی	اَذان	صَد	صابون
مَرِض	حَلَزون	ثُرَیا	شُعار	عادَت	گُذشته	صَنَدلی	صَدَف
بَعَضی	حَرَکَت	مِثَل	بَعَضی	مَعصومه	لِذَّت		صُبح
وَضو	صُبح	کَثِیف		عُلوم	اَذَر		صاف
حوض	حیوان	لَته		بَعَد	دِلِپَذیر		صِدا
ریاضی	خوش حال	ثِرَوَت		تَعْرِیف	ذُرَّت		صَنَدوق
	حوله	تَبَتِ نام		جَمع	لَذِید		صِبا
	مُحَمَّد	مِثال		مُرَبَّع	ذَرَّه بَین		مَخصُوص
	صُبحانه	اَثاث کِشی		شُرُوع	می گُذارَد		صَف
	حَرف	مُثَلَّث		شِعر	گُذاشت		صَبَر
	حَمَام	اَثَر		مُعَلِّم	بَذر		قِصَّه
	راحت	اَثار		عَزیز			شَصِت
	تَفْرِیح	مَبَعَث		باَعِث			صِفر
	صُحَبَت			عَینِک			فَصَل
	حَیاط			ساعَت			صورت
	حالا			عَروسِک			صُبحانه
	تِمساح			عَروس			مَعصومه
	رَحَمَت			مَبَعَث			غُصَّه
	مُحَبَّت			مَزَرَعه			صابِر



